

بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی شهرداری ها در نظام حقوقی ایران

مسعود درّی^۱، راضیه دهباشی^۲

^۱ دانش آموخته آموخته کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

نام و نام خانوادگی مسعود درّی

Dorri.masoud@yahoo.com

چکیده:

شهرداری با دریافت عوارض و انواع مالیات شهری، پذیره، نوسازی و غیره مسئولیت دارد تا هرگونه مشکلات طبیعی و غیرطبیعی به تضمین حق است شهرداریها به عنوان یک نهاد حقوق عمومی غیر دولتی در ایفای وظایف خدمات رسانی به شهروندان ممکن است باعث بروز خسارت هایی گردند که احکام و قواعد ایجاد مسئولیت مدنی آنها با دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی مشترک بوده اما آنچه موضوع بررسی این مقاله می باشد مسئولیت مدنی شهرداری ها در الزاماتی نظیر وقایع طبیعی (سیل، زلزله) و یا ناشی از وقایع حقوقی (نصب و حفر می باشد) لذا با بررسی این نوع مسئولیت در برابر شهروندان به صورت کلی پرداخته شده تا جایگاه مسئولیت مدنی شهرداری در برابر شهروندان مشخص گردد. شهرداری که به موجب قانون، مالک معابر و بناها و برخی از اماکن موجود در شهر ها است، به سبب مالکیت خود مسئول خسارات ناشی از عیب یا سد معبر و همچنین خسارات ناشی از حوادث پیش آمده در معابر و خسارات ناشی از خرابی بنا نیز می باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، شهرداری، تقصیر، خسارت

مقدمه

مسئولیت مدنی شهرداری در جبران زیان وارده به غیر را باید از زیرشاخه‌های مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق عمومی همچون دولت به شمار آورد. هر چند به موجب بند (۱) ماده واحده قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ «شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه آنان مادام که بیش از پنجاه درصد سهام و سرمایه آنان متعلق به شهرداریها باشد موسسه عمومی غیردولتی محسوب می‌شوند و بموجب ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور «موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی ... واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد تشکیل شده و یا می‌شود...» اما از این نظر که ارائه‌دهنده خدمات عمومی هستند، می‌توان مسئولیت مدنی شهرداری و دولت را دارای احکام مشترک دانست.

هر چند امروزه ضرورت جبران زیان وارده به دیگری، از اصول مسلم حقوقی شناخته می‌شود و تفاوتی نیز میان اشخاص حقیقی و حقوقی (اعم از اشخاص حقوقی عمومی و حقوق خصوصی) قائل نمی‌شوند اما بنا به اختلافی که درخصوص اصل پذیرش مسئولیت مدنی ناشی از اقدامات دولت و نهادهای عمومی در گذشته وجود داشته (ابوالحمد، ۱۳۷۵، ص ۱۴۰؛ باریکلو، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴) موافقان وجود چنین مسئولیتی دلایلی همچون ریشه اخلاقی لزوم جبران خسارت و صدق عنوان کارفرما بر دولت و نهادهای عمومی (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ص ۵۴۴ و ۵۴۳) و نیز اصل تساوی اشخاص حقیقی و حقوقی در جبران خسارات وارد به دیگری (ماده ۵۸۸ قانون تجارت ایران) (صفار، ۱۳۹۰، ص ۴۸۰) را بعنوان مبانی آن برمی‌شمردند که در نظام حقوقی ایران نیز، هر چند بموجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، اصل وجود چنین مسئولیتی پذیرفته شده، اما قیودی بر آن وارد آمده که نیازمند بررسی است. لازم است ذکر شود که تحقق قواعد عمومی مسئولیت مدنی شامل وجود ضرر مسلم و مستقیم و جبران نشده؛ ارتکاب فعل زیان‌بار؛ و وجود رابطه علیت میان فعل زیان‌بار و ضرر وارده نیز در مانحن فیه ضروری است، اما آنچه موضوع بررسی حاضر را تشکیل می‌دهد، احکام خاص رجوع به شهرداری و پرسنل تحت امرش است که ذیلاً بدان می‌پردازیم.

۱- معنای مسئولیت مدنی:

مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است. مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زیانی به او وارد آورد، فرق نمی‌نماید عملی که موجب زیان شده جرم باشد یا شبه جرم. (امامی، حقوق مدنی، ص ۵۶۳)

الزام شخص است به جبران زیان‌هایی که در اثر عمد یا خطا به دیگری وارد شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۳۲) در نوشته‌های حقوقدانان، اصطلاح مسئولیت مدنی اغلب در این معنا به‌کار برده شده است. این قاعده نظیر همان چیزی است که در فقه تحت عنوان «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» ذکر شده است.

مسئولیت مدنی به عنوان ضمانت اجرای حقوق مدنی نقش حساس و مهمی را در مطالبه و استیفای حقوق افراد و در نتیجه تنظیم روابط اجتماعی و حقوقی باز می‌کند، بدون تصور وجود مسئولیت مدنی حق مفهوم واقعی و عینی خود را از دست داده و جنبه فکری و ذهنی به خود می‌گیرد در ضمن چیزی که به واقع حق را از حالت بالقوه به صورت بالفعل در آورده و آنرا به طور ملموس در اختیار صاحبان حق قرار می‌دهد قواعد و مقررات موجود در نظام حقوقی کشورها و از جمله کشور می‌باشد که درچارچوب و کالبد قوانین مختلف گنجانده شده است. در مورد بحث مورد نظر ما می‌توان گفت که الزامات خارج از قرار داد، ضمان قهری و مسئولیت مدنی دارای یک مفهوم می‌باشند همچنین ما می‌توانیم بر مسئولیت مدنی دو مفهوم عام و خاص قائل شویم که به صورت زیر نمایان می‌باشد (امامی، حقوق مدنی، ص ۵۶۳)

۲- مبانی فقهی مسئولیت مدنی

از آنجائیکه دولت یکی از نهادهای نوظهور بوده و قدمت و سابقه آن از نظر تاریخی همزمان با بروز و ظهور دین مبین اسلام نمی‌باشد، بنابراین یافتن ریشه و اساسی برای مسئولیت دولت به معنی امروزی آن در فقه اسلامی، امری مشکل می‌باشد. تنها موردی که براساس آن میتوان ریشه و ردپای مسئولیت دولت را پیدا نمود، مربوط به خطا و اشتباه قضات و لزوم جبران آن از بیت‌المال طبق احکام و موازین اسلام

می‌باشد. با این توضیح که در فقه اسلام گفته‌اند که «خطأ الحاكم في بيت المال» یعنی ضرر و زیانی که در اثر خطا و اشتباه قاضی حادث شود، باید از محل بیت‌المال جبران گردد. به عبارتی دیگر براساس این قاعده، دولت به نوعی خود را در قبال خسارات وارده از طرف کارکنانش مسئول و پاسخگو دانسته است. علاوه بر این دانشمند بزرگ، حرعاملی در کتاب گرانقدر وسایل الشیعه مرقوم فرموده‌اند که حضرت علی(ع) فرمودند که اگر قضا در خون و قطع خطا کنند، باید بوسیله بیت المال مسلمین (دولت) جبران شود صرفنظر از موارد فوق، تاریخ حقوق اسلام و مبنای اصل «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» نشان می‌دهد که در این نظام حقوقی و مذهبی، صاحب حق (اعم از دولت و غیر آن) در اضرار به دیگران آزاد نبوده و رعایت قاعده مزبور مانع از سوء استفاده صاحب حق در اعمال حق خویش می‌گردیده است (ناصر کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۱)

نظام حقوقی اسلام در مسئول دانستن اشخاص از مبانی نظری خاصی پیروی میکند از جمله این قواعد که شهرداری هم میتواند به استناد آن مورد مؤاخذه قرار گیرد اشاره می‌گردد:

قاعده احسان: احسان به کار مشروعی می‌گویند که برای جلب منفعت و یا دفع ضرر از دیگران انجام می‌شود. پس اگر کسی بدین منظور بر مال دیگری دست یابد مشمول قاعده علیالبدل واقع نمی‌شود و ضمان تلف مال را به عهده نمی‌گیرد. بنابراین در فقه، احسان مانع از ایجاد ضمان است. یعنی اگر کسیکاری انجام دهد که در عرف پسندیده به سود عموم است از این راه مسئولیتی پیدا نمی‌کند هر چند اتفاقی زیانی هم به بار آید. (کاتوزیان، ۱۳۸۹، صص ۱۶۲-۱۷۶)

قاعده غرور: در اصطلاح عبارت است از وادار کردن دیگری به تصرف زیانبار مالی و جانی با آراستظواهر و اقناع او، به گونهای که خود با اراده و اختیار اقدام زیانبار را انجام دهد. مبنای مسئولیت در اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب متفاوت است و حقوق اسلام در هر دو مورد از یک قاعده استفاده نکرده است. در مورد اتلاف به مباشرت به برقراری رابطه سببیت و اسناد اتلاف توجه شده است ولی در اتلاف به تسبیب، به استثنای مسئولیتهای عینی که به تصریح قانونی نیاز دارد، تقصیر مبنای مسئولیت است. بنابراین غرور در اتلاف زمانی موجب معافیت متلف خواهد شد که به عنوان سبب قوی رابطه عرفی بین تلف و فعل شخص را قطع کند. به سخن دیگر برای نسبت دادن زیان به غار رابطه سببیت بین فعل مغرور کننده و زیانها لازم و ضروری است ولی در مورد اتلاف به تسبیب چون اصولاً تقصیر مبنای مسئولیت است، مغرور میتواند با استناد به قاعده غرور خود را بیتقصیر بداند و از مسئولیت معاف گردد مشروط بر این که عمل غار عرفاً رابطه سببیت بین عمل اتلاف کننده و زیان را قطع نماید و از موارد اقوی بودن سبب از مباشر تلقی گردد. در این موارد دلیل سقوط ضمان مشروعیت فعل اتلاف کننده نبودن تقصیر به دلیل جهل است نه فعل مغرور کننده. زیرا ناآگاهی از موانع ایجاد مسئولیت است و فعل را مباح میسازد. بنابراین عمل مغرور را میتوان از جمله اعمال مباحی دانست که برای او ایجاد مسئولیت نمی‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶)

قاعده لاضرر: محوریت قاعده لاضرر تحریم ضرر به دیگری است. چنانچه شخص اعم حقیقی و حقوقی با اعمال و رفتار خویش ضرر به شهروندان وارد نماید بایستی این ضرر به نحوی از انحا برطرف گردد تا حقوق تضییع شده شخص زیان دیده برطرف گردد. از آنجائیکه دولت یکی از نهادهای نوظهور بوده و قدمت و سابقه آن از نظر تاریخی همزمان با بروز و ظهور دین مبین اسلام نمی‌باشد، بنابراین یافتن ریشه و اساسی برای مسئولیت دولت به معنی امروزی آن در فقه اسلامی، امری مشکل می‌باشد. تنها موردی که براساس آن میتوان ریشه و رد پای مسئولیت دولت را پیدا نمود، مربوط به خطا و اشتباه قضا و لزوم جبران آن از بیت‌المال طبق احکام و موازین اسلام می‌باشد. با این توضیح که در فقه اسلام گفته‌اند که «خطأ الحاكم في بيت المال» یعنی ضرر و زیانی که در اثر خطا و اشتباه قاضی حادث شود، باید از محل بیت‌المال جبران گردد. به عبارتی دیگر براساس این قاعده، دولت به نوعی خود را در قبال خسارات وارده از طرف کارکنانش مسئول و پاسخگو دانسته است. علاوه بر این دانشمند بزرگ، حرعاملی در کتاب گرانقدر وسایل الشیعه مرقوم فرموده‌اند که حضرت علی(ع) فرمودند که اگر قضا در خون و قطع خطا کنند، باید بوسیله بیت المال مسلمین (دولت) جبران شود صرفنظر از موارد فوق، تاریخ حقوق اسلام و مبنای اصل «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» نشان می‌دهد که در این نظام حقوقی و مذهبی، صاحب حق (اعم از دولت و غیر آن) در اضرار به دیگران آزاد نبوده و رعایت قاعده مزبور مانع از سوء استفاده صاحب حق در اعمال حق خویش می‌گردیده است (ناصر کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۱)

۳- مبانی و مستندات قانونی مسئولیت مدنی دولت

همانگونه که در سطور قبلی مرقوم گردید، دولتها تا مدتها از پذیرش مسئولیت و پاسخگویی در مقابل مردم خودداری می نمودند اما اندک اندک آثار و نشانه های مسئولیت پذیری دولت در قوانین و مقررات نمایان گردید. بررسی قوانین و مقررات موضوعه و جاری نظام جمهوری اسلامی ایران بیانگر وجود مصادیق خاصی از پذیرش مسئولیت مدنی دولت می باشد که ذکر آنها به شرح ذیل می باشد:

۱- در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده است که «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت بوسیله دولت جبران میشود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت میگردد».

۲- مشابه چنین حکمی در قانون مجازات اسلامی به چشم می خورد زیرا ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی، متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارات بوسیله دولت جبران میشود و در مورد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود».

در خصوص مواد صدرالذکر ذکر نکات و توضیحات و تعاریفی لازم می باشد:

نکته اول: در مواد فوق به کرات به واژه «تقصیر» اشاره گردیده است که برای تعریف آن باید به قانون مدنی رجوع نمود. طبق ماده ۹۵۳ قانون مدنی «تقصیر اعم است از تعدی و فریط» و طبق ماده ۹۵۱ همین قانون «تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری» و طبق ماده ۹۵۲ قانون مذکور «فریط عبارتست از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است».

حقوقدانان معتقدند که تقصیر میتواند عمدی و یا غیر عمدی باشد و تقصیر وقتی عمدی است که شخص آنرا به قصد اضرار به دیگری مرتکب شود. ولی در تقصیر غیر عمدی که آنرا قصور گویند، شخص قصد زیان زدن به دیگری را ندارد ولی در نتیجه غفلت و بی احتیاطی، سبب ضرر به او میشود (ناصر کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۷۱) بنابراین واژه های انتخاب شده توسط قانونگذار یعنی تقصیر و اشتباه واژه های دقیقی نبوده و از نظر مفهوم و معنا با هم تداخل معنایی پیدا می کنند.

نکته دوم: مسئولیت ذکر شده در ماده صدرالذکر، یک نوع خاص و محدودی از مسئولیت می باشد، یعنی دولت در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی، صرفاً خود را در قبال اشتباهات صورت گرفته توسط قضات، مسئول دانسته است.

۳- طبق ماده «۱۱» قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ «کارمندان دولت و شهرداری و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می باشند. ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد، در اینصورت جبران خسارت، به عهده اداره یا موسسه مربوطه است. ولی در مورد «اعمال حاکمیت دولت» همراه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون بعمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود».

بند اول - قاعده

بخش نخست ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته: «کارمندان دولت و شهرداریها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد کنند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده هستند...». بموجب این مقرر، اصل اولیه، مسئولیت مدنی شخصی کارمند شهرداری خواهد بود نه شهرداری بعنوان یک موسسه عمومی. لذا چنین مقرره ای توانایی لازم را جهت حمایت از زیان دیده ندارد. زیرا چه بسا زیان هنگفت ناشی از اقدام کارمند، بواسطه اعسار او غیرقابل جبران باقی بماند. ذکر این نکته لازم است که اثبات تقصیر کارمند نیز به دلالت عبارت «عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی» امری ضروری است (م ا ق.م.م) (لذا در مواردی که پرسنل شهرداری، به مناسبت انجام وظیفه، برای مثال، بواسطه بی احتیاطی در رانندگی با وسایل نقلیه متعلق به شهرداری، منجر به ایراد خسارت جانی و مالی به شهروندان گردد، علی القاعده، راننده مزبور دارای مسئولیت جبران ضرر خواهد بود مگر در مواردی که در بند دوم خواهیم دید

بند دوم - استثناء

بخش دوم ماده ۱۱ ق.م.م در ادامه مقرر می‌کند: «... ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است...». استثنای اخیر در واقع ناظر بر شرط وجود رابطه علیت در قواعد عمومی مسئولیت مدنی است که انتساب زیان وارده به عامل زیان را مقرر می‌نماید و تقصیر اداری را بعنوان مبنای مسئولیت مدنی شهرداری می‌پذیرد (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۷) هر چند پذیرش مسئولیت مدنی شهرداری در این بخش از ماده را (ولو در مقام استثنا بر قاعده) باید گام مثبت تلقی کرد اما نظر به اینکه، تکلیف اثبات «نقص وسایل» متعلق به شهرداری را بر دوش زیان‌دیده قرار داده و امکان رجوع مستقیم به او را منوط به اثبات امر مذکور نموده محل انتقاد است زیرا باتوجه به حجم و گستردگی فعالیت شهرداریها، امر دشوار و طاقت‌فرسایی به نظر می‌رسد. این در حالی است که پیش‌بینی مسئولیت مدنی محض و بدون تقصیر شهرداری می‌تواند موجب حمایت از شهروندان و عامل بازدارنده به منظور نظارت شهرداریها بر نحوه فعالیت پرسنل و نیز سلامت وسایل متعلق به خود گردد.

بند سوم - فقد مسئولیت در اعمال حاکمیت

بخش سوم و انتهایی ماده ۱۱ ق.م.م نیز مقرر می‌دارد: «... ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی، طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.» در این بخش، مقنن از نظریه سنتی اعمال تصدی و حاکمیت پیروی نموده است.

نخستین قانونی که در ایران به تفکیک مزبور پرداخته «قانون تعیین مرجع رسیدگی به دعاوی بین اشخاص و دولت» مصوب ۱۳۰۷ است که تنها به تعریف اعمال تصدی پرداخته و آنرا اعمالی دانسته که دولت از نقطه‌نظر حقوق مشابه افراد انجام می‌دهد مانند خرید و فروش اموال و مستغلات و اجاره و امثال آن. حقوقدانان نیز در تعاریفی مشابه، اعمال حاکمیت را اعمالی دانسته‌اند که دولت در مقام استفاده از حق حاکمیت و اقتدار ملی و تنها برای منافع عمومی و اجتماعی بدان می‌پردازد مانند وضع قوانین، اخذ مالیات، دادرسی و...؛ اما اعمال تصدی اعمالی است که دولت نظر به شخصیت حقوقی خویش و جهت اداره و حفظ دارایی و همچون سایر افراد در روابط خصوصی انجام می‌دهد مانند بانکداری، اجاره، بیع و... (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱؛ و ۱۳۸۷، ص ۵۸؛ صفار، ۱۳۹۰، ص ۴۹۳) بخش اخیر ماده ۱۱ ق.م.م نیز اقدامات شهرداری را با قیودات مذکور در آن، فاقد مسئولیت مدنی اعلام کرده است هر چند ضوابط مبهمی چون بر حسب ضرورت و «برای تأمین منافع اجتماعی» موجب امکان گسترش حکم به موارد بسیاری خواهد شد.

تطبیق و نتیجه گیری :

* با عنایت به موارد مطروحه می توان دریافت که قوانین ایران حمایت کافی و شایسته را از زیان دیده در قبال مسئولیت مدنی شهرداری بعمل نیاورده و به زیان دیده تنها حق مراجعه به کارمند و عامل مستقیم زیان را اعطاء کرده و مسئولیت مدنی موسسه عمومی غیردولتی شهرداری را امری استثنایی و دارای قیود بسیار دانسته است که نیازمند اصلاح و بازنگری و حتی پیش بینی مسئولیت محض و بدون تقصیر در راستای تأمین هر چه بیشتر حقوق زیان دیده خواهد بود.

* خسارت وارده به اشخاص به سبب اعمال اشخاص حقوق عمومی زمانی قابل جبران است که زیان وارده مستند به عمل اشخاص حقوق عمومی باشد. به عبارت دیگر باید بین عمل زیانبار و خسارت وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد. بدیهی است چنانچه این رابطه قابل اثبات نبوده و یا زیان وارده ناشی از حوادث طبیعی و غیر مترقبه چون سیل و طوفان و زلزله و غیره و یا فورس ماژور بوده باشد، چون رابطه سببیت بین عمل اشخاص حقوق عمومی و خسارت وارده وجود ندارد، لذا مسؤولیتی در این زمینه متوجه اشخاص حقوق عمومی نخواهد بود. اثبات رابطه سببیت در دعوی مسؤولیت مدنی به عهده شخص متضرر از عمل زیانبار یا به عبارتی دیگر مدعی است که البته اثبات این رابطه با توجه به وضعیت زیان دیدگان از اعمال دولت تا حدی مشکل بوده و بالمال جبران زیان از زیان دیدگانی که توانایی اثبات این رابطه را نداشته باشند، امکانپذیر و میسر نخواهد بود. در خصوص خسارات ناشی از اعمال حاکمیت هم در صورتی که دو شرط موجود باشد اشخاص حقوق عمومی از جبران زیان و پرداخت خسارت معاف خواهد بود. اول اینکه اشخاص حقوق عمومی در مقام اعمال حاکمیت باشد و دوم آن که، آن عمل حسب ضرورت و طبق قانون برای تأمین منافع اجتماعی به عمل آید. واضح است که با مفقود بودن هر یک از این دو شرط اشخاص حقوق عمومی ملزم به پرداخت خسارت خواهد گردید ولو اینکه خسارت ناشی از اعمال حاکمیت دولت باشد، به نظر میرسد که اثبات وجود دو شرط مذکور در دعوی مسؤولیت مدنی به عهده اشخاص حقوق عمومی خواهد بود که در واقع مدعی علیه دعوی خسارت بوده ولی در زمینه اثبات شروط موصوف، مدعی واقع خواهد شد. لازم به توضیح است که با عنایت به مفهوم مخالف قسمت ذیل معافیت دولت در « دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود » ماده ۱۱ (ق.م.م)، به ویژه عبارت خصوص جبران زیان ناشی از اعمال حاکمیت الزامی نبوده، بلکه امر اختیاریست و به همین جهت در صورتی که دولت مصلحت بداند می تواند خسارت وارده در اثر اعمال حاکمیت را نیز جبران نماید.

مراجع:

- [۱] ابوالمحمد، دکتر عبدالحمید، (۱۳۷۰) حقوق اداری ایران، انتشارات توس.
- [۲] ابوالحمد، دکتر عبدالحمید، (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی دولت، چاپ شده در مجموعه مقالات مندرج در کتاب تحولات حقوق خصوصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- [۳] باریکلو، دکتر علیرضا (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی، نشر میزان، چاپ چهاردهم.
- [۴] صفار، دکتر محمدجواد (۱۳۹۰)، شخصیت حقوقی، انتشارات بهنامی، چاپ اول.
- [۵] صفایی، دکتر سیدحسین؛ رحیمی، دکتر حبیب‌الله، (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- [۶] کاتوزیان، دکتر ناصر (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
- [۷] کاتوزیان، دکتر ناصر (۱۳۸۶)، مبانی حقوق عمومی، انتشارات میزان، چاپ سوم.
- [۸] دکتر امامی (سیدحسن)، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ نوزدهم، بهار ۱۳۷۷ هـ. ش، ص ۵۶۳
- [۹] دوره مقدماتی حقوق مدنی، (وقایع حقوقی) ناصر کاتوزیان، چاپ اول، ۱۳۷۷.